

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱ / ۰۳ / ۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱ / ۰۳ / ۰۷

پاسخ‌های اصلاحی – بازپرورانه به کودکان و نوجوانان بزهکار در نظام کیفری ایران

مهرداد رایجیان اصلی^۱

سید سجاد رزاقی موسوی^۲

چکیده

بزهکاری کودکان و نوجوانان، علاوه بر ناسازگاری با جامعه، یک نشانه خطر در زمینه احتمال ماندگاری آنان در فضای مجرمانه به شمار می‌رود. لذا بازپروری کودکان بزهکار یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در سیاست جنایی است. از این رو، هدف اصلی اعمال ضمانت اجرای کیفری در قبال بزهکاری کودکان، اصلاح، تربیت و بازسازی آنهاست که کانون اصلاح و تربیت، یکی از ابزارهای آن به شمار می‌رود. و بیش از هر چیز، هدف تدابیر عدالت جنایی، بازپروری و آماده‌نمودن فرد در بازگشت به جامعه است. به این سان، به نظر می‌رسد حبس و مجازات سالب آزادی نمی‌تواند جهت دستیابی به این اهداف چندان کارآمد باشد و چه بسا برخوردهای قهرآمیز و شدید ممکن است به سوگیری درست و نادرست نظام رفتاری آنان بیانجامد.

ارتکاب جرم از سوی کودکان و نوجوانان به طور معمول به شکل اتفاقی رخ می‌دهد و عوامل زیادی مثل حساسیت‌های دوره سنی، ضعف‌های روان‌شناختی، عدم آگاهی و ... در این امر موثر اند، پس، اتخاذ اقدامات تأمینی تربیتی و بازپرورانه، در مقایسه با پاسخهای کیفری صرف، از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است. در مقاله حاضر، با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و توصیفی/تحلیلی با رویکردی مبتنی بر معرفی و نقد به نظام حقوقی ایران، تلاش شده تا واکنش‌های اجتماعی اصلاح مدار، با هدف حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار، بررسی شده و الگویی برای سیاست جنایی کارآمد برای این گروه از بزهکاران ارائه شود.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان بزهکار، بازپروری، سلب آزادی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، عدالت جنایی

۱- استادیار حقوق جنایی و جرم‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت) تهران، تهران، ایران mehrdad.rayejian@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران mousavisajjad98@gmail.com

مقدمه

عدالت جنایی کودکان و نوجوانان یکی از حوزه های مهم در سیاست گذاری جنایی به منظور انتخاب برنامه ها و تدابیر مناسب و کارآمد قرار دارد. از زمان گذشته تا به حال بشر در کنار اعمال مجازات بر بزهکاران، با موضوع ثمره ناشی از اعمال کیفرهای متنوع روبرو بوده و از این رهگذر نگرش های متعددی در زمینه کارکردهای کیفر مطرح شده است. این نگرشها به طور کلی با دو رویکرد سزاگرایی و فایده گرایی یا به تعبیری آینده گرا به پاسخ دهی به مجرمان می نگرند.

یکی از دغدغه های موجود در رویکرد آینده گرا این بوده که اعمال کیفر نسبت به فرد بزهکار به چه نحو باشد تا از سویی در قبال جرم ارتكابی تادیب شده و از سوی دیگر به عنوان عضوی از جامعه با این نگرش اشتباه که عنصری نامطلوب، به واسطه ارتكاب بزه قلمداد شود، از جامعه طرد نشده و زمینه بازگشت وی به دامن خانواده و جامعه و پیشگیری از بزهکاری مجدد فراهم گردد (غلامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۹). افزون بر آن، نتایج برخی پژوهش ها در ارتباط با تمایل عمومی به اتخاذ رویکردهای بازپرورانه برای بزهکاران کودک و نوجوان^۱، در جهت دهی سیاست ها به سمت اصلاح و درمان در بیشتر کشورها نقش داشته است (Ellis et al., 2018, 169-170). بر همین اساس، در مقوله بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار با توجه به آنکه آنها اصلی ترین سرمایه اجتماع بوده و دارای شخصیتی آسیب پذیر و وضعیت روحی و روانی حساسی هستند و ظرفیت جنایی این گروه عموماً تکامل یافته نیست و از قابلیت انطباق بسیار بالا برخوردارند، التزام بیشتری در اتخاذ رویکرد آینده گرا در اعمال کیفر نسبت به آنها برای نظام حقوقی حاکم بر جامعه به وجود خواهد آورد (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

در این میان، تحت تأثیر تحولات جرم شناختی و مطرح شدن دیدگاه های متفاوت جرم شناسانه، جنبه اصلاحی و بازپرورانه اعمال مجازات بیشتر از جنبه سزادهی صرف در جامعه نمود پیدا نموده (کی نیا، ۱۳۸۵: ۳۵) و سیاست مداران جنایی در کنار جنبه سزادهی در سیاست کیفری خود به جنبه اصلاحی و بازپرورانه آن توجه نمودند و به مرور نظام های عدالت جنایی گرایش بیشتری به جنبه اصلاح گرای حقوق کیفری نسبت به جنبه سزادهی آن پیدا نمودند. معنی اصطلاح بازپروری به لحاظ لغوی به معنای

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Ellis, S., Gately, N., Rogers, S., and Horrigan, A. (2018). "Give them a chance: public attitudes to sentencing young offenders in Western Australia", *Youth Justice*, 18(2), pp: 169-187

بازتوانی^۱ یا دوباره میزان کردن^۲ است که از اصطلاح لاتین اقتباس شده است (Craig, 2013: P4). براین اساس می‌توان گفت؛ در ادبیات جرم‌شناسی و کیفرشناختی، اصطلاح بازپروری ناظر به آماده‌سازی بزه‌کاران جهت حضور مجدد در جامعه به‌عنوان شهروندانی قانونمند و مولد است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۰). برخی دیگر، بازپروری را: «یک برنامه مداوای روانی-اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تامین امنیت جامعه به منظور سازش پذیری اجتماعی بزهکار» تعریف کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۱۶۳). لذا به منظور جلوگیری از ثبات آنان در فرایند بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری آتی و طرد شدگی آنان، اتخاذ تدابیر بازپرورانه در سیاست جنایی اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. براساس یافته‌های جرم‌شناسی تعامل گرایان میان حضور مدت دار کودکان بزه کار و گرایش آنان به پایداری در ورطه بزه کاری پیوند وجود دارد. بدیهی است تمامی این موارد گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر پاسخ‌های سالب آزادی نظام عدالت جنایی کودکان است.

در این مقاله سیاست اصلاحی و بازپرورانه در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار در بستر واکنش‌های اجتماعی اصلاح مدار مطالعه می‌شود. بر این اساس، مهمترین قوانینی که سیاست بازپرورانه را در خصوص کودکان و نوجوانان دنبال می‌کنند، به شرح زیر قابل بررسی اند:

۱. اقدامات تأمینی و تربیتی برای کودکان و نوجوانان بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب

سال ۱۳۹۲

اندیشه بازپروری^۳ بر این موضوع تأکید دارد که کودکان و نوجوانان از نظر ویژگی‌های شناختی و احساسی متفاوت از بزرگسالان اند و بنابراین، شایسته فرصتی دوباره برای بازگشت به اجتماع هستند. به این سان، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین گذشته، گام‌های مثبتی به سمت اجرای اندیشه بازپروری برداشته است که نمونه بارز آن را می‌توان در تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی و کیفر بر اساس گروه‌های سنی نه تا پانزده سال و پانزده تا هجده سال مشاهده نمود. بدین‌سان، قانون مجازات اسلامی ۹۲^۴، کودکان و نوجوانان را به چهار گروه تقسیم‌شده‌اند: گروه اول کودکان زیر نه سال که هیچ ماده قانونی از مسئولیت کیفری آنان سخن به میان نیاورده است، گروه دوم کودکان و نوجوانان نه تا

1- Re-enabling

2- Making fit again

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷) تقریرات درس جرم‌شناسی بازپروری بزهکاران، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

۴- فصل دهم بخش دوم از کتاب اول «قانون مجازات اسلامی» ۱۳۹۲، زیر عنوان «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» مقررهای را که اغلب اقدام تأمینی و تربیتی به شمار می‌روند (مانند نگهداری در کانون اصلاح و تربیت)، پیش‌بینی کرده است.

دوازده سال، گروه سوم کودکان و نوجوانان دوازده تا پانزده سال. گروه چهارم کودکان و نوجوانان پانزده تا هجده سال.

۱.۱. بازپروری و کیفرهای تعزیری

کودکان و نوجوانان مشمول بند ۸ ماده ۸۸ ق.م.ا (۱۲ تا ۱۵ سال) برای جرایم تعزیری درجه یک تا پنج، الزاماً به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به عنوان یک اقدام تأمینی و تربیتی محکوم می شوند، ولی برای نوجوانان مشمول ماده ۸۹ ق.م.ا (۱۵ تا ۱۸ سال) در صورت ارتکاب همان جرم، این امکان وجود دارد که حسب مورد به اقامت در منزل (در ساعاتی که دادگاه معین می کند)، نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته، خدمات عمومی و حتی جزای نقدی محکوم شوند. بدین ترتیب، این موضوع آشکارا بیانگر فقدان یک الگوی مشخص و منسجم در راستای پیاده سازی سیاست های بازپرورانه در قلمرو تعیین کیفری نوجوانان است. به طور کلی، می توان گفت، مقنن با اعلام فقدان آثار کیفری در ماده ۹۵ ق.م.ا، وفاداری به اندیشه بازپروری را به رخ می کشد و به قضات یادآور می شود که در تصمیم ها به سوابق کیفری توجه نکنند.

با این همه، علی رغم تصویب ماده ۹۵ ق.م.ا^۱ تعیین کیفر جرایم تعزیری طبق رویه سنتی بر اساس شدت جرائم مشخص و تعیین آن به قاضی سپرده شده است. حال آنکه فلسفه عدالت جنایی نوجوانان مبتنی بر این ایده است که شدت بخشیدن به ضمانت اجراها اصولاً بایستی با افزایش میزان مسئولیت پذیری نوجوانان، افزایش سن آنان و در حقیقت توسعه مفاهیم شخصیتی صورت گیرد؛ نه بر اساس شدت جرم (Dünkel, 2014: 48-50). از این منظر، تنوع میان نوجوانان از حیث ویژگی های فردی، روانی، اجتماعی، میزان توسعه شخصیتی و غیره به رسمیت شناخته نشده و به جای آن، میزان شدت جرم مبنای اولیه برای تعیین کیفر آنان را تشکیل داده است. باید اذعان نمود که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با الغای پاسخ های بدنی و سزاگرایانه در پاسخ دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان و همچنین تنوع بخشی واکنش های اجتماعی به تناسب نوع جرم ارتكابی و گروه سنی مرتکبان جرم، به سمت رویکرد فایده گرایانه و بازاجتماعی کننده پیش رفته است. اما باید خاطرنشان ساخت که، عدم پیش بینی برخی پاسخ های حمایتی و ترمیمی و عدم جامعیت ضمانت اجراهای غیرسالب آزادی نسبت به تمامی افراد زیر ۱۸ سال در قانون جدید مجازات اسلامی از جمله مواردی هستند که دستیابی به رویکرد افتراقی و ویژه در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ناظر به کودکان و نوجوانان را با مشکل مواجه می نماید.

۲.۱. بازپروری و کیفرهای حدود و قصاص

از منظر طبقه بندی مجازاتها در قانون مجازات اسلامی، تدابیر مندرج در مواد ۸۹ و ۹۰ قانون به ۱- ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است».

جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص جرائم مستوجب دیه، حد و قصاص حسب مورد، کودک بالغ دارای مسئولیت کیفری تام خواهد بود. البته در خصوص قصاص و حد نیز برخلاف رویه سابق قانونی که به صورت مطلق اجرای مجازات‌های مزبور را مجاز می‌شمرد، اجرای مجازات‌ها منوط به درک ماهیت جرم یا حرمت آن از سوی کودک است و در صورت فقدان این امر و یا شبهه در کمال عقل وی، حسب مورد یکی از مجازات‌های مقرر در این قانون مورد حکم قرار می‌گیرد. مبنای تشخیص قوه ادراک و عقل کودک وفق تبصره ماده ۹۱ همان قانون، نظریه پزشکی قانونی است.^۱ در نتیجه اعمال طیف وسیعی از ضمانت اجراهای بزهکاری کودکان و نوجوانان منوط به احراز درک اهیت جرم یا حرمت آن از سوی کودک بنابر نظر کارشناس است.

۲. تدابیر بازپرورانه و ترمیمی نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

مهم ترین مقررهای این قانون در زمینه سیاست بازپروری را می‌توان در دو نهاد پرونده شخصیت و میانجیگری کیفری بررسی کرد.

۱.۲. بازپروری در پرونده شخصیت

موضوع تشکیل پرونده شخصیت در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار است.^۲ به همین سان، نخستین گام برای اصلاح و درمان بزهکار شناخت شخصیت و شرایط زندگی او است، تشکیل پرونده شخصیت^۳ یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی نوین در حقوق جنایی در راستای کمک به باز اجتماعی شدن بزهکار است. اگرچه قانونگذار محدوده تشکیل این پرونده را در جرائم کودکان و نوجوانان گسترانده^۴، و می‌توان گفت

۱- متن ماده ۹۱ و تبصره آن بدین شرح است: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند».

۲- برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم پرونده شخصیت بنگرید به: آشوری، محمد؛ عظیم زاده، شادی (۱۳۹۲)، «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایداری بزهکاری جوانان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، ش ۱.

۳- ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری:

در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم

ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی

۴- ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری: علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج

که به چگونگی اثرگذاری پرونده ی شخصیت در ماده ۱۸ ق.م.انیز نظر داشته است، زیرا مرجع صدور حکم برای بزهکار کودک و نوجوان قاضی دادگاه است و قانونگذار در بند ت ماده ۱۸ صراحتاً اشاره داشته که دادگاه باید در صدور حکم به وضعیت فردی و خانوادگی و اجتماعی مرتکب توجه نماید. تشکیل پرونده ی شخصیت این شناخت را به قاضی می دهد و همین شناخت وضعیت کودک یا نوجوان بزهکار در صدور حکم قاضی اثر دارد. در این پرونده گزارشی از وضعیت شخصیتی، روان شناختی، فردی و خانوادگی کودک یا نوجوان بزهکار توسط متخصصان ثبت می شود. توجه به شخصیت مجرم و شناخت آن و به کارگیری کلیه امکانات در این خصوص امری ضروری است و مقنن در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی^۱ نیز به طور ضمنی به این امر توجه داشته است. مطابق بند ب ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از دیگر حقوق بنیادین طفل و نوجوان در مراحل رسیدگی آنست که شخصیت وی و شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی که در آن به سر برده، شناسایی و تعدیل گردد. دراین صورت است که قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان شناخت کافی از کودک و نوجوان پیدا کرده و ضمن رعایت مصلحت وی، پاسخ متناسب را برای بزهکاری و در نظر می گیرد.^۲

۲.۲. بازپروری در میانجیگری کیفری

یکی دیگر از مقررهای قانون مذکور که به سیاست بازپرورانه اشاره دارد، میانجی گری کیفری و سازش است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای اجرای برنامه های عدالت ترمیمی به طور ویژه ای به نهاد میانجی گری توجه کرده است. این قانون مراجع قضایی را مکلف کرده است که به منظور دست یافتن به صلح و سازش میان طرف های اختلاف، از راهکارهایی همچون میانجی گری، تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده استفاده کنند.^۳ براساس ماده ۸۲ این قانون، مقام قضایی برای برقراری

و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است. ۱- ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم.

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

۲- بند ب ماده ۵: ارائه مشاوره و معاضدت های حقوقی و تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه دیده

۳- در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک بیان شده است: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا

سازش میان طرف‌ها می‌تواند پس از موافقت متهم و بزه دیده از روش مذکور استفاده نمایند. طبق این ماده، تنها جرایم تعریزی درجه ۶، ۷، ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق اند (یعنی جرایم تعریزی درجه سه تا هشت) به میانجی‌گری ارجاع و در نهایت پس از صلح و سازش قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. بدین ترتیب، قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی و به منظور سازش طرف‌ها و خارج ساختن پرونده‌های کم‌اهمیت از فرآیند قضایی به دنبال سرعت بخشیدن به دادرسی کیفری و تراکم زدایی از مراجعات حل اختلاف به دادگستری بوده است (رایجیان اصلی، موسوی رزاقی، ۱۳۹۹: ۴۹۳). در خصوص جرایم کودکان و نوجوانان و ارجاع آن به میانجی‌گری کیفری، نکته حائز اهمیت آنکه طبق قانون اطفال و نوجوانان، برخلاف بزرگسالان، نسبت به جرایمی که مرتکب می‌شوند، هم در نحوه رسیدگی و هم اعمال مجازات متفاوتند. شاید بتوان استدلال کرد که بند ۸۸ ق.م.ا به جرایم درجه ۱ تا ۵ ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال اشاره دارد که مجازات آن، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است. از آن جا که جرم درجه ۴ و ۵ این افراد می‌تواند مشمول مقررات میانجی‌گری کیفری قرار گیرد، به نظر می‌رسد استفاده از شکلهای گوناگون میانجی‌گری می‌تواند سبب ایجاد تعامل بین بزه دیده و بزهکار، مسؤولیت پذیر ساختن بزهکار شود و در مقایسه با تحویل به کانون، جنبه ی پیشگیرانه و اصلاحی بهتری به همراه داشته باشد. حتی در مورد نوجوانان نیز با توجه به بندهای ب و پ ماده ۸۹ ق.م.ا اسلامی (ناظر بر نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در جرایم تعریزی درجه ۴ و ۵)، استفاده از میانجی‌گری مطلوب به نظر می‌رسد، زیرا سبب می‌شود بزهکار و خانواده او در برابر بزه‌دیده و خانواده او قرار گیرند، تعامل و گفتگو بین طرفین ایجاد می‌شود، بزهکار ابراز پشیمانی می‌کند، بزه‌دیده آرامش خاطر می‌یابد، و بدین سان، آرامش خاطری که در عذر خواهی بزهکار برای بزه دیده حاصل می‌شود، از زندان رفتن بزهکار اثر بیشتری دارد

۳. راهکارهای تقویت بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار

در این قسمت به بررسی راهکارهایی که سبب می‌گردد سلب آزادی در محیط اجتماعی اجرا شود یا به نحوه‌ی سبب عدم اجرای تمام یا قسمتی از این مجازات‌ها (با تأکید بر مقررات ناظر بر کیفردهی و

شخص یا مؤسسه ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود، و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه میدهد. تبصره- بازپرس میتواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید.»

نهادهای مجری و متولی ضمانت‌اجراهای کیفری) در امر بازپروری کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود:

۱.۳. راهکارهای بازپرورانه مقررات ناظر بر کیفردهی

این راهکارها عبارتند از تدابیری که به عنوان ضمانت اجراهای مرحله کیفردهی، می‌توانند کارکرد بازپرورانه نیز داشته باشند.

۳.۱.۱. آزادی مشروط^۱

در آزادی مشروط، هدف این است که اطفال و نوجوانانی که ادامه نگهداری آنان در مؤسسات تربیتی به علت ناسازگاری امکان نداشته یا اینکه به هر دلیل، تحمل ادامه حبس، ضروری نبوده، با این روش، به تدریج به زندگی عادی بازگردانده شوند. اعطای آزادی مشروط، یک نوع، گذشت و بخشش، کرامت و سخاوت مقامات قضایی محسوب نمی‌شود؛ بلکه یک نوع حقی است که قانون‌گذار اعطا کرده و مرحله‌ای از اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی محسوب می‌شود. در فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات اطفال و نوجوانان پیش‌بینی گردیده است، اشاره‌ای به آزادی مشروط به‌عنوان مجازاتی در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار، به‌منظور اجتناب از اجرای مجازات‌های سالب آزادی، نشده است. تنها در ماده ۹۰ بیان شده که: «تقلیل مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا تبدیل آن به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی، مانع استفاده آن‌ها از آزادی مشروط نخواهد گردید». بنابراین اعطای آزادی مشروط به کودکان بزهکار مشمول مقررات افتراقی قرار نگرفته است و قاضی دادگاه اطفال باید با استناد به مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون یادشده نسبت به اعطای آزادی مشروط به کودکان و نوجوانان بزهکار اقدام کند.

۲.۱.۳. تعویق صدور حکم

این روش^۲ با ایجاد تغییر در صدور حکم محکومیت کیفری زمینه شکل‌گیری هویت مجرمانه در کودکان و نوجوانان بزهکار را به کمترین اندازه می‌رساند. این روش در پهنه عدالت جنایی ایران دارای پیشینه نیست و برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ شناسایی شده است. به این سان، مطابق ماده ۹۴^۳ می‌توان از آن برای پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان بزهکار بهره جست. به‌موجب این ماده دادگاه می‌تواند

۱- Parole

۲- ماده ۴۰- در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف- وجود جهات تخفیف ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

۳- دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای

در مورد تمام جرائم تعزیری صدور ارتكابی توسط نوجوانان را به تعویق اندازد. هرچند این ماده با تصریح به واژه «نوجوانان»، و عدم اشاره به واژه «کودکان» در کنار آن، می‌تواند با این ایراد مواجه باشد که به گروه سنی کودکان توجه نکرده است، اما در هر حال، قضات رسیدگی‌کننده به بزهکاری دسته مورد اشاره در ماده می‌توانند با توجه به وضعیت فردی و محیطی کودکان و نوجوانان بزهکار این روش را برگزینند. تعویق صدور حکم فقط برای نوجوانان مرتکب جرم‌های تعزیری پیش‌بینی‌شده است و نه حدی. شرایط پیش‌بینی‌شده برای تعویق صدور حکم:

۱. اصلاح‌پذیر بودن ۲. ترمیم زبان‌های وارده ۳. نداشتن پیشینه کیفری ۴. وجود جهات کاهنده پاسخ‌ها در مورد اصلاح‌پذیر بودن سامانه عدالت جنایی می‌توان نسبت به آن دسته از نوجوان بزهکار که زمینه بازپذیری را دارند، از تعویق صدور حکم کیفر که یکی از موارد جایگزین مجازات حبس برای کودکان و نوجوانان می‌باشد یک پاسخ رهاساز بهره گرفت. در صورت وجود ظرفیت بازپرورانه در نوجوانان بزهکار استفاده از این روش امکان‌پذیر می‌شود. در مورد نداشتن پیشینه کیفری مؤثر شناسایی این شرط نشان می‌دهد که فقط نوجوانان بزهکار بدون پیشینه کیفری مؤثر شایسته برخورداری از ارفاق کیفری‌اند؛ زیرا تکرار بزهکاری نشانه تمایل آنان به نقض بایدها و نبایدهای کیفری و هنجارهای اساسی جامعه است. پس این دسته باید تحت دیگر تدابیر عدالت جنایی قرار گیرند تا از این رهگذر به سمت انجام‌پذیر رهنمون شوند.

۳.۱.۳. تعلیق اجرای مجازات

از آنجاکه مبنا و هدف تعیین مجازات در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار، بازپروری شخصیت و منش آنها است، به نظر می‌رسد تعلیق اجرای مجازات راهکار مناسبی برای جلوگیری از نگهداری کودکان بزهکار در مؤسسات نگهداری باشد، زیرا با توجه به شخصیت انعطاف‌پذیر کودکان، میزان تأثیرپذیری آنان از محیط و فرهنگ کانون اصلاح و تربیت بالاست. از سوی دیگر دادگاه می‌تواند با توجه به وضع خاص آنان، دستورهای آموزشی - درمانی و مراقبتی در مدت تعلیق صادر کرد و با الزام نوجوانان بزهکار به اجرای آنها و نظارت دقیق بر این امر، او را در بازسازی شخصیت خویش حمایت کند. به موجب ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعویق صدور حکم به مجازات‌های تعزیری درجه شش تا هشت منحصر و حسب اشعار ماده ۴۶ این قانون، تعلیق اجرای مجازات به جرائم تعزیری درجه سه تا هشت محدود است؛ اما در مورد نوجوانان امکان تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات بدون محدودیت وجود دارد. لذا حتی در جرائم اقتصادی، جرائم علیه امنیت، جرائم سازمان‌یافته، خرابکاری و غیره به‌طور کلی در تمام مجازات را معلق کند.

جرائم احضار شده در ماده ۴۷ همین قانون، یعنی جرائمی که مقنن در آن‌ها، تعلیق مجازات را ممنوع دانسته بود، چنانچه مرتکب، نوجوان باشد، همچنان امکان تعلیق مجازات و یا تعویق صدور حکم پیرامون آن‌ها برای محاکم وجود دارد.

امکان تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات تمامی جرایمی تعزیری نوجوانان از جمله نهادهای ارفاقی می باشد که ماهیتی بازپرورانه دارند و قاضی دادگاه می تواند حسب مقرر فوق با توجه به شخصیت نوجوان بزهکار و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم و با توجه به مصلحت آنان می تواند از این نهاد های اصلاحی استفاده نماید.

۴.۱.۳. تخفیف و تبدیل مجازات

کاهش میزان واکنش عدالت جنایی و یا تبدیل آن به گونه متناسب دیگر ازجمله سازوکارهایی هستند که در رهایی کودکان و نوجوانان بزهکار از عدالت جنایی و یا تسریع در آن نقش مؤثری ایفا می‌کند. تخفیف میزان نگهداری در کانون در مرحله اجرا، در ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پیش بینی شده است. به موجب این ماده: «دادگاه با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یکبار در رأی خود تجدید نظر کرده و مدت نگهداری تا یک سوم تقلیل یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید». به این سان، در پرتو ماده مذکور چگونگی کاهش پاسخ و یا تبدیل آن به نوع دیگر پیش بینی شده است تا با توجه به مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مذکور، امکان اعمال انواع پاسخ های ناظر به کودکان و نوجوانان بزهکار نه تا پانزده و پانزده تا هیجده سال فراهم گردد (نیازپور، پیشین، ص ۱۴۳).

تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این امر قطعی است. در این ماده میزان تخفیف تا «یک سوم» پیش بینی شده است. شرایط اعمال این تخفیف، سپری شدن حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است تا اگر در این مدت تغییرات مطلوبی در رفتار و کردار طفل بزهکار حاصل شد، بتوان این تخفیف را نسبت به او اعمال کرد. از نوآوری های این ماده می توان به پیش بینی امکان تبدیل نگهداری در کانون به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی دانست، راهکارهایی که در تبصره ۳ ماده ۸۸ نیز پیش بینی شده است.^۱

۱- این تبصره مقرر می دارد: در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، (تسلیم به والدین و سرپرستان قانونی یا دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی) دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل و نوجوان در رفتار او، در تصمیم خود هر چند یکبار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند تجدید نظر نماید، این تجدید نظر می تواند بصورت تغییر شرایط و اقدامات،

۵.۱.۳. نظام نیمه آزادی

هرگاه نگهداری کودک یا نوجوان بزهکار در محیط آزاد امکان‌پذیر نباشد و وضع وی ایجاب نماید که از محیط اجتماعی که در نوع جرم یا بروز حالت خطرناک در وی مؤثر بوده دور نگهداشته شود و یا اینکه مصلحت کودک ایجاب کند که برای مدتی در محیط بسته نگهداری شود تا برای بازگشت به زندگی اجتماعی آماده گردد، دادگاه یا مقام صلاحیت‌دار می‌تواند حکم به نگهداری کودک را در یک موسسه که حالت نیمه آزادی دارد صادر کند. این شیوه در قانون مجازات اسلامی ۹۲ صورت قانونی به خود گرفت که مطابق ماده ۵۶ این قانون نظام نیمه آزادی^۱، (شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد). مقام قضائی رسیدگی‌کننده به جرائم کودکان و نوجوانان می‌تواند پس از مصلحت سنجی کودک یا نوجوان دستور به آزادی نیمه‌وقت دهد.^۲

۶.۱.۳. جایگزین حبس

اتخاذ نوع مجازات‌های جایگزین حبس در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. چرا که با واکنش مناسب و شایسته‌ای از سوی سیستم قضایی، کودک و نوجوان بزهکار به آغوش جامعه باز خواهد گشت و چون بزهکار در مرحله‌ای است که شخصیت وی در حال تکمیل است، لذا در صورت اجرای مجازات‌های جایگزین حبس ارتباط شخص مرتکب بزه با اجتماع از بین نمی‌رود و چون عیوب زندان را ندارد، کارآمدتر بوده و از راههای اصلی اصلاح کودکان و نوجوانان بزهکار محسوب می‌شود (بیگی، ۱۳۹۶: ۴۸).

براساس یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا میان حضور مدت‌دار کودکان بزهکار و گرایش آنان به پایداری در ورطه بزه‌کاری پیوند وجود دارد. از این رو، واگذاری اختیار پاسخ‌دهی به این دسته، می‌تواند ضمن کم‌مدت کردن حضور آنان در عرصه عدالت جنایی به ارائه یک پاسخ به منظور بازسازی نظام شخصیتی این قشر بیانجامد (نیازپور، ۱۳۹۶: ۷۹).

مدت و یا تغییر نوع پاسخ تعیین شده باشد؛ البته در این صورت نسبت به ماده ۹۰، دست قاضی در تجدید نظر و تبدیل، زمان و تعداد آن بسیار بازتر است.

1- Semi-Detention

۲- ممکن است گفته شود که ضمانت اجراهای شامل نظام نیمه آزادی و جایگزین حبس، به کیفر سالب آزادی (حبس یا زندان)، مربوط می‌شوند و قلمرو آنها از نگهداری کودکان و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت جداست. با وجود این، به نظر می‌رسد که از آنجا که این ضمانت‌اجراها، با رویکرد اصلاحی و بازپذیری اجتماعی، جنبه ارفاقی دارند، مصلحت کودک و نوجوان بزهکار اقتضا می‌کند تا به منظور بهره‌مندی از امتیازهای این ضمانت‌اجراها و در راستای جلوگیری از تماس و درگیر شدن وی با محیط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی (که کانون اصلاح و تربیت هم جزئی از آن است)، این ضمانت‌اجراها شامل این گروه سنی نیز دانسته شوند.

۷.۱.۳. سپردن کودک به والدین یا سرپرستان قانونی با الزام به تأدیب

والدین، اولیا و سرپرستان قانونی کودکان و نوجوانان، نخستین گروه از اشخاصی هستند که مقام قضایی تکلیف سپردن کودکان و نوجوانان را به آنها دارد. سپردن کودک به والدین یا سرپرستان قانونی با الزام به تأدیب در بیشتر مواقع و در بسیاری قوانین، خفیف‌ترین تصمیمی است که دادگاه اطفال می‌تواند در مورد کودک بزهکار، اتخاذ نماید و در رأس تصمیمات قانونی این دادگاه‌ها قرار دارد. دادگاه اطفال یا مقام صلاحیت‌دار پس از احضار والدین یا سرپرست قانونی طفل بزهکار، بعد از تشریح علت ارتکاب جرم، ایشان را متوجه سهل‌انگاری‌شان در اصلاح و تربیت طفل نموده و لزوم مراقبت در آموزش و پرورش، اوقات فراغت و رفع اختلافات و ایجاد تفاهم در محیط خانواده را متذکر و پس از اخذ تعهد نسبت به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن رفتار، کودک را به اولیا یا سرپرست قانونی وی می‌سپارد. این تدابیر در مواردی اعمال می‌شود که جرم منتسب به بزهکار از جرائم مهم نباشد و مشروط به این است که ابوبن، خود به علت عدم اهمیت یا فساد اخلاقی، از نگهداری کودک محروم نشده باشند. البته باید خاطرنشان نمود؛ خانواده اولین محیطی است که کودک در آن رشد و نمو می‌یابد^۱. حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از برهم خوردن این نهاد، امری مهم در نظام حمایتی کودک است. در جدایی کودک از خانواده نیز حفظ رابطه با خواهر و برادر و سایر روابط و علائق خانوادگی در راستای مصالح عالیه وی است. این روابط باید به صورت تداوم، منظم و همراه با ملاقات‌های معقول و مناسب کودک با این افراد باشد (Bureau, 2016: p3). به این سان، محیط خانواده نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام رفتاری و شخصیتی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ایفا می‌کند (Von Hirsch, 2009: P.6).

سپردن کودک به والدین در محیط خانواده، به سه شکل قابل اجراست:

- ۱- سپردن کودک به والدین یا سرپرست قانونی با الزام به تأدیب
- ۲- سپردن کودک به والدین یا سرپرست قانونی با الزام به رعایت شرایط خاص
- ۳- سپردن کودک به اولیا یا سرپرستان قانونی همراه با مراقبت و حمایت و هدایت

در حالت اول، دادگاه پس از احضار والدین و متوجه نمودن آنان به قصورشان در مورد تربیت کودک، از آنان تعهد اخذ می‌نماید که در تأدیب و تربیت کودک و نوجوان، کوشا باشند و کودک را به آنان می‌سپارد. در حالت دوم، علاوه بر شرایط حاکم در حالت اول، دادگاه، شرایط و ترتیباتی را نیز معین می‌کند که کودک، ملزم به رعایت آنها خواهد بود؛ مانند اینکه با بعضی افراد، مراوده نداشته باشد، به محل‌های

۱- در اینجا باید خانواده را به صورت گسترده معنا کرد تا خانواده بیولوژیکی، خانواده از طریق فرزندخواندگی خانواده مراقب، خانواده گسترده و سایر انواع خانواده را که به موجب عرف داخلی یک کشور مورد پذیرش قرار گرفته است، دربرگیرد.

معینی رفت‌وآمد نکند، در رده‌های آموزشی خاص شرکت کند، شب‌ها از خانه خارج نشود و غیره والدین نیز موظف‌اند بر حسن اجرای این شرایط توسط کودک، نظارت نموده، تخلف احتمالی وی را به دادگاه اطفال گزارش نمایند. بالاخره اینکه در حالت سوم، وضعیت خانوادگی کودک به شکلی است که وی، نیاز به حمایت و هدایت دارد. در این صورت وی به خانواده‌اش سپرده می‌شود. لیکن مددکاران اجتماعی نیز مأمور مراقبت و راهنمایی وی خواهند بود.

همان‌طور که بیان گردید، این تدابیر در بسیاری موارد، مؤثر و مفید واقع می‌شوند ولی بعضی اوقات نیز به علت عدم مراقبت لازم از کودک پس از سپردن به والدین، ایشان مجدداً مرتکب بزه شده به دادگاه اطفال اعزام می‌گردند.

۸.۱.۳. نگهداری در منزل

یکی از موارد جایگزین حبس کودکان و نوجوانان، نگهداری آنان در منزل است که سامانه عدالت جنایی از آن برای پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان بزهکار استفاده می‌کند. درواقع، نگهداری در منزل، از روش‌های جایگزینی است که بین اجرای روش‌ها در محیط آزاد و در محیط بسته قرار دارد. در پرتو این پاسخ، آزادی نوجوانان مذکور به‌جای سلب شدن در محیط کانون، در منزل گرفته می‌شود تا این افراد ضمن در کنار خانواده بودن از تحمل فشارهای زندان آسوده باشند و مانع از جرائم بعدی آنان گردد. در حقوق کیفری ایران این روش از سوی مقنن شناسایی نشده بود سرانجام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تبصره ۲ ماده ۸۹، این پاسخ موردپذیرش واقع شده است (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). براساس تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا نگهداری در منزل در ساعات معین (و نگهداری پایان هفته در کانون اصلاح و تربیت به فهرست قبلی کیفرها اضافه شده است تا مجموعه ضمانت اجرایی برای اصلاح و درمان کودکان و نوجوانان بزهکار به کار گرفته شود) به این‌سان، در پرتو این قانون و بر پایه این تبصره، استفاده از نگهداری نوجوانان بزهکار در منزل، به‌عنوان جایگزین نگهداری این دسته در کانون و یا جزای نقدی امکان‌پذیر می‌گردد. طبق تبصره ذکرشده این روش در صورت متناسب بودن با شخصیت و اوضاع و احوال این افراد به کار گرفته می‌شود.

با وجود آنچه در خصوص امتیازهای بالقوه نگهداری در منزل گفته شد، این نکته نیز حائز اهمیت است که شرایط کیفر اقامت در منزل از حیث محتوای درمانی ممکن است ناگزیر مناسب نباشد. قانون گذار

1- Curfew Order

۲- قرار اقامت در منزل یکی از گونه‌های کیفرهای اجتماع محور پراستناد در اکثر نظام‌های عدالت جنایی شمار می‌رود که در رابطه با اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم سبک شده، صادر می‌شود.

بدون تعیین هیچ گونه دستوری، استفاده از این مجازات را برای بازه زمانی بین سه تا پنج سال تجویز کرده است. این در حالی است که در بیشتر کشورها، اقامت در منزل یا به عنوان یکی از شروط تعلیق و یا به عنوان به تنهایی یک کیفر مستقل همراه با دستورهای درمانی، نظارتی و اصلاحی وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش های جرم‌شناسی نیز کیفرهایی که دارای ابعاد درمانی بوده و خانواده محور هستند و بر تلاش برای افزایش فعالیت اجتماعی و برقراری ارتباط سازنده با دوستان و مدرسه تمرکز می کنند، تاثیر قابل ملاحظه ای در کاهش نرخ تکرار جرم دارند (Youg et al, 2017, 24-25). چنان چه تقریر گردید؛ در نظام عدالت جنایی ایران، با اینکه بازه زمانی طولانی برای اجرای این کیفر پیش بینی شده، ولی ماهیت درمانی آن مبهم است؛ گویا مقنن این مجازات را طوری تعیین کرده تا اصلاً اجرا نشود. بدین ترتیب، از جمع مطالب و با ملاحظه در عدالت جنایی ایران این نتیجه حاصل می آید که قضات در تصمیم های خود اصولاً به این کیفر استناد نمی کنند؛ به گونه ای که می توان ادعا کرد این کیفر در هنگام تصمیم گیری مهجور مانده است. البته لازم به ذکر است که، آگاهی از این موضوع، این پرسش مهم را مطرح می کند که اثربخشی کیفرها و کاهش تکرار جرم کودکان و نوجوانان بدون اشاره به ابعاد درمانی کیفرها چگونه متصور خواهد بود. در نتیجه، هرچند اقامت در منزل به طور اصولی جزء نهادهای اصلاح و درمان به شمار می آید، ولی تحلیل محتوای قانون مجازات اسلامی بیانگر آن است که مقنن تعهدی به اصلاح و درمان از طریق این کیفر نداشته و صرفاً سیاست کاهش جمعیت کیفری را تعقیب می کند. همان طور که ملاحظه می شود، بر اساس همین عدم التزام به برنامه های درمانی است که حتی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت گاه رنگ اقدامات تامینی و تربیتی و گاه رنگ مجازات ها را به خود می گیرد؛ بدون آنکه پاسخی برای توزیع این چنینی این ضمانت اجرا وجود داشته باشد^۱.

۹.۱.۳. نگهداری پایان هفته ای

یکی از شیوه های جدید سیاست جنایی جایگزینی حبس کودکان و نوجوانان بزهکار نگهداری در پایان هفته است^۲ کیفرهای پایان هفته ای، درواقع نوعی سلب آزادی از محکوم به طور محدود و در زمان مشخص است. بر اساس این واکنش، کودکان و نوجوانان بزهکار در روزهای هفته مانند دیگر شهروندان به صورت متعارف زندگی را می گذرانند و در پایان هفته به جای حضور نزد خانواده خود، در کانون اصلاح و تربیت زندانی

۱- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، بر اساس بند ث ماده ۸۸ اقدام تامینی و تربیتی برای اطفال و نوجوانان ۱۵ تا ۱۲ سال و بر اساس ماده ۸۹ حسب شرایط موجود کیفر برای ۱۸ تا ۱۵ نوجوانان سال به حساب می آید.
۲- به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸ «دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای الف تا پ این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای ۳ ماه تا ۵ سال حکم دهد».

می‌شوند. از آنجا که کودکان و نوجوانان بسیار حساس هستند، افزایش احتمال خوردن برچسب مجرمانه به این بزهکاران، ایجاد اختلال در روند زندگی کودکان و نوجوانان بزهکار، تأثیرپذیری از خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه کانون اصلاح و تربیت و افزایش احتمال پایداری در ورطه بزهکاری از بارزترین این چالش‌ها به شمار می‌روند (شاملو، ۱۳۹۰: ۱۵۴). نگهداری کودکان و نوجوانان در طول هفته در کانون‌های اصلاح و تربیت ضربه‌های زیادی را به کودکان و نوجوانان بزهکار وارد می‌سازد. اجرای روش حبس پایان هفتگی به محکوم اجازه می‌دهد تا ضمن موقعیتی شغلی یا تحصیلی خود و باقی ماندن در میان خانواده خویش، تنها متحمل محرومیتی مفید و اصلاح‌گرا از آزادی در پایان هفته خود گردد. چون هدف مجازات سالب آزادی، محروم کردن مجرم از آزادی‌هایی است که در اجتماع از آن‌ها برخوردار است؛ بنابراین اگر تعطیلات آخر هفته را از او بگیریم به نحو شایسته‌ای به این هدف رسیده‌ایم و ضمن اینکه تأثیرپذیری آنان از خلاف کاران نیز کاهش می‌یابد.

۲.۳. نقش بازپرورانه نهادهای مجری و متولی ضمانت اجرای کیفری

از آنجا که قوه قضائیه وفق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عنوان متولی اصلی بازپروری بزهکاران در ایران پیش بینی شده است (نیازپور، ۱۳۹۴: ۱۹۱). بر این اساس، از بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار در دستگاه قضایی از گذر کانون اصلاح و تربیت، مراکز مراقبت پس از خروج، بیمارستان روانی مجرمان (مراکز بالینی) سخن به میان می‌آید.

۱.۲.۳. نقش بازپرورانه کانون اصلاح و تربیت

معنا و مفهوم اصلی اصلاح^۱، بهبود وضعیت فرد است. برای نیل به این هدف، مدارس تربیتی و کانون‌های اصلاح و تربیت ایجاد شده و یکی از اهداف ضمنی آن نیز اصلاح بزهکاران است. قانون‌گذار در تعریف کانون اصلاح و تربیت چنین اظهار داشته است: «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب اطفال غیر بالغ بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از ۱۸ سال تمام سن داشته باشند»^۲. اصلاح و تربیت^۳ دارای اهداف و الگوهایی است که بر اساس آن‌ها می‌توان نظام‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک کرد. تأکید روزافزون بر بازپذیری^۴ بزهکاران و انطباق آنان با هنجارهای اجتماعی ویژگی مشترک و هدف بنیادین اصلاح و تربیت در دنیای جدید است. کانون اصلاح و تربیت یکی از تاسیسات اصلاحی و بازپرورانه نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران می‌باشد (قاسمی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

1- Reformation

۲- ماده ۱۸ آئین‌نامه قانونی و مقررات اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۷۲

3- Corrections

4- Reintegration

سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز از یک سو به دنبال تحولات جرم‌شناختی و از سوی دیگر با توجه به آنکه کودکان و نوجوانان عموماً از ظرفیت جنایی ضعیف و قابلیت انطباق و آموزش‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند. ضرورت وجود نگهداری در قانون اصلاح و تربیت^۱ باعث شده است که تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در ماده ۵۲۵ به آن بپردازند. این ماده مقرر می‌دارد: «کانون‌های اصلاح و تربیت اماکنی هستند که نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان موضوع این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند یا ایجاد می‌شوند». همچنین در ماده ۵۲۸ این قانون نیز مقرر شده است: «آیین‌نامه اجرایی مربوط به نحوه نگهداری و طبقه‌بندی محکومان و متهمان، اشتغال و حرفه‌آموزی آنان، برنامه‌ها یا بازپروری، نحوه ملاقات زندانیان، نحوه اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و کیفیت اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان در آنجا، طبقه‌بندی کودکان و نوجوانان از حیث جنس، سن، نوع جرائم و امور اجرایی این کانون‌ها و نحوه اجرای مجازات حبس ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». اجرای برنامه اصلاحی و تربیتی وقتی مفید فایده است که کودکان و نوجوانان به فضای ایجاد شده در مؤسسات نگهداری اعتماد کنند. کانون اصلاح و تربیت باید با ایجاد قسمت ویژه کودکان و نوجوانان، اول به شناسایی خانواده آن‌ها بپردازد و اگر از نظر شرایط خانوادگی نامناسب تشخیص داده شدند، باید با روش‌های مختلف محیط خانوادگی را سالم نماید و در صورت عدم اصلاح کودکان و نوجوانان، به ارگان‌های مربوطه تحویل دهند. ولی اگر خانواده از نظر اصول اجتماعی مورد تأیید قرار گرفتند باید با کانون اصلاح و تربیت، گامی روبه‌جلو در بازپروری کودکان و نوجوانان بپردازند (موذن زادگان، ۱۳۹۷: ۷۶). در نتیجه، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی ایران تحت تأثیر الگوهای جرم‌شناسی بالینی و با پیش‌بینی مقررات متعددی در زمینه تشکیل کانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزهکار و لزوم نگاهداری آنان در این مراکز، درصدد اصلاح و باز اجتماعی نمودن آنان برآمده‌اند.

۲.۲.۲. نقش بازپرورانه مراکز مراقبت پس از خروج

کودکان و نوجوانان بزهکار پس از تحمل مجازات (به ویژه پس از آزادی از کانون) جهت بازگشت به جامعه و ادامه زندگی عادی، با توجه به به برچسب بزهکارانه‌ای که به آنان زده شده و همچنین آسیب‌های روانی و عاطفی وارده به آنان دچار مشکلات متعدد مادی و معنوی می‌شوند.

۱- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، بر اساس بند ۸۸ ماده ۸۸ اقدام تأمینی و تربیتی برای اطفال و نوجوانان و ۱۲ تا ۱۵ سال و بر اساس ماده ۸۹ حسب شرایط موجود کیفر برای ۱۸ تا ۱۵ نوجوانان سال به حساب می‌آید.

مرکز مراقبت بعد از خروج در کانون اصلاح و تربیت مهم‌ترین وظیفه را در مسیر اصلاح و تربیت ایفا مینماید؛ زیرا تمامی برنامه‌های چندین ماه کانون اصلاح و تربیت با تمام سختگیریها و تمام هزینه‌ها زمانی به بار خواهد نشست که بعد از آزادی، کودک و نوجوان بزهکار بتواند در جامعه جذب شود و روند جامعه‌پذیر شدن او بازندگی مجدد در درون جامعه، با هنجارهای آن، تکمیل گردد؛ اما اگر کودکان و نوجوانان بعد از سپری شدن چند ماه در کانون و اجرای تمامی برنامه‌ها، بدون مراقبت و پشتیبانی دوباره در دل همان محیط اولی‌رها شوند، تکرار جرم نتیجه طبیعی آن خواهد بود و این درواقع یک تالی فاسد را در جامعه ایجاد خواهد کرد (رضوانی، ۱۳۹۱: ۸۷). تأمین امنیت کودک و نوجوان از راهبردهای حمایتی است که در تمامی مراحل پهنه عدالت کیفری از مراحل اولیه پلیسی، تعقیب و تحقیق گرفته تا مرحله محاکمه و درنهایت پس از محاکمه و اجرا را در برمی گیرد؛ بدین صورت که باید کودکان و نوجوانان بزهکار را در امان نگاه داشت. به همین سان، کودکان و نوجوانان بزهکار می‌بایست پس از خاتمه فرآیند کیفری و مجازات مجدداً به جامعه بازگردند و پیوندی میان آن‌ها با جامعه و خانواده‌های شان برقرار گردد (نجفی توانا، ۱۳۹۸: ۳۳۴).

در این راستا، می‌بایست با بهره‌گیری از اقدامات کارآمد بازپرورانه برای درمان و بهبود قاطع کودکان و به‌واسطه تنظیم برنامه‌هایی برای باز پیوستگی اجتماعی کودکان و نوجوانان، احتمال این امر که اینگونه کودکان در بین آشنایان و بستگان انگشت‌نما یا لکه‌دار شوند، با فرض تقصیر آنان موردپذیرش مجدد قرار نگیرد را از بین ببرد. کودکان و نوجوانان در سنینی نیستند که قدرت تغییر محیط خانوادگی و اجتماعی خود را داشته باشند و در این مسیر نیاز به یک حامی دلسوز دارند تا با پیگیری روند زندگی آن‌ها بتوانند آنان را در مسیر باز اجتماعی شدن یاری نماید. بخش مراقبت بعد از خروج می‌تواند با برنامه‌ریزی‌هایی در زمینه تحصیل، اشتغال و فعالیتهای اجتماعی کودکان و نوجوانان بزهکار، آنان را در مسیری قرار دهد که نیرویی مولّد و موثر برای آینده جامعه باشند (خواجه نوری، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۵). توجه به بخش پس از خروج در سطح دنیا، گسترش یافته و امروز در بسیاری از کشورها، رویکردهای ناظر به این بخش از جایگاه والایی برخوردار است و حقوق‌دانان، روانشناسان، جامعه‌شناسان و مددکاران اجتماعی با توجه به وسعت و ماهیت این اقدامات در خصوص آن ارائه طریق نموده‌اند. همان‌طور که کودکان و نوجوانان در تمامی مراحل فرآیند کیفری تا مرحله اجرای حکم نیازمند توجه و حمایت لازم و کافی از سوی تمامی نهادهای دخیل در این مجموعه می‌باشند، به همین منوال، در این بخش نیز نباید آنان را به حال خود گذاشت؛ زیرا اضطراب ایجادشده در اثر اعمال خشونت بر کودک و نوجوانان و ناامنی‌های محیط پیرامون در اکثر موارد کماکان باقی می‌ماند (نجفی توانا، پیشین: ۲۳۱). در آخر باید ذکر نمود، مراکز مراقبت پس از خروج با رویکردی بالینی و حمایتی - مراقبتی به ویژه در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار که در دوره سنی حساسی می

باشند و بیشتر از دیگر اقشار جامعه در معرض آسیب های روانی و عاطفی و قضاوت های افراد جامعه می باشند، نقش موثری در اصلاح و بازپذیری مجدد آنان جهت بازگشت به زندگی عادی ایفا می نماید.

۳،۲،۳. نقش بازپرورانه مراکز بالینی

در نظام عدالت جنایی ایران مساله اصلاح و درمان بزهکارانِ کودک و نوجوان، یکی از دغدغه های مهم سیاست‌گذاران جنایی است و به تبع آن تلاش شده است تا بر این دیدگاه به قاعده به عنوان راهنما در تعیین شیوه مناسب برخورد با نوجوانان بزهکار تکیه شود. در این راستا، برخی از کودکان و نوجوانان بزهکار حسب تحقیقات صورت گرفته و گزارش های مندرج در پرونده شخصیت تحت تأثیر اختلالاتی عصبی، روانی، شخصیتی و نارسایی های جسمی مرتکب جرم می شوند. به هر روی، اتخاذ تدابیر درمانی - بالینی درباره این دسته از کودکان و نوجوانان و نگهداری و بازپروری آنان در مراکز و بیمارستان های درمانی - بالینی بیش از اعمال اقدامات تامینی و تربیتی معمول به سازگاری آنان با جامعه کمک می کند. از همین رو قانونگذار در مرحله تحقیقات مقدماتی در ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بیان داشته: «هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش اند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند». همچنین مقنن در ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله اجرای حکم کیفری بیان می دارد: «هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادر کننده رأی قطعی ارسال می کند». همانطور که مشخص است مقنن سیاست جنایی بازپرورانه را هم در فرایند رسیدگی کیفری و هم در مرحله اجرای حکم مدنظر قرار داده و انجام اینگونه اقدامات درمانی و بالینی نسبت به اعمال اقدامات تامینی و تربیتی معمول، تاثیر بازسازگارانه بیشتری را به همراه دارد.

۴.۲.۳. نقش بازپرورانه مراکز مداوای بزهکاران معتاد

با توجه به آخرین پژوهش‌های صورت گرفته، میانگین سن شروع به مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۵ سال رسیده است^۱. نظر به آنکه کودکان و نوجوانان سرمایه‌های انسانی کشور برای آینده در زمینه‌های علمی، پژوهشی، صنعتی و... محسوب می‌شوند، لذا پدیده مصرف مواد مخدر توسط آنان و بزهکاری ناشی از آن مستلزم توجه جدی و ارائه راهکارهای متناسب و کارآمد جهت درمان و بازسازی مجدد آنان جهت بازگشت به زندگی عادی می‌باشد. از این رو سیاستگذاران جنایی در پرتو شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی، درمان و بازپروری این گروه از بزهکاران را مدنظر قرار داده‌اند. در بند ۳ تبصره بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مقنن به متعهد نمودن والدین یا سرپرست قانون طفل یا نوجوان بزهکار جهت درمان یا ترک اعتیاد کودک یا نوجوان تحت نظر پزشک به عنوان یک اقدام تامینی و تربیتی نام برده است. همچنین در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مقنن به اعمال نهاد ارفاقی و بازپرورانه تعلیق تعقیب اشاره نموده و اعمال آن را منوط به انجام دستورات مقام قضایی دانسته که یکی از این دستورات وفق بند ت ماده مذکور ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر حداکثر ظرف شش ماه می‌باشد. در ماده ۴۳ و ۴۸ قانون مجازات اسلامی مقنن نهادهای بازپرورانه تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات را پیش‌بینی نموده که می‌تواند همراه با انجام برخی از دستورات دادگاه باشد که یکی از این دستورات درمان بیماری یا ترک اعتیاد است.

از سوی دیگر مقنن در بند ۲ ماده ۱ آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر ۱۳۷۷ به درمان و بازپروری معتادان اشاره نموده است. همچنین مقنن در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مراکز مجاز درمان و کاهش آسیب اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان‌ها موضوع تبصره یک ماده ۱۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۹ به تعیین مراکز درمانی جهت ارائه خدمات درمان و نیز کاهش آسیب افرادی که به نحوی دچار اعتیاد به مواد مخدر و یا روانگردان گردیده‌اند، اقدام نموده است. همچنین در ماده ۱ آیین‌نامه مراقبت بعد از خروج معتادان سال ۱۳۹۲ مقام قضایی تکلیف یا تکالیفی را نسبت به فردی که پس از طی مدت مقرر مرکز را ترک می‌نماید، تعیین می‌کند و مقنن برای عدم انجام تکالیف ضمانت اجرا قرار داده است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که قانونگذار در پرتو مقررات وضع شده به درمان کودکان و نوجوانان بزهکار که مصرف‌کننده مواد مخدر می‌باشند و عموماً ارتکاب بزه توسط آنان به علت مصرف مواد مخدر و تهیه مواد مخدر می‌باشد، بدون اعمال سیاست کیفری صرف، با درمان این عده از بزهکاران گامی در جهت بازپروری آنان برداشته است. بدین

۱ - معاونت دفتر سلامت روان و اعتیاد وزارت بهداشت در گفت و گو با ایرنا مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۵.

ترتیب، اصلاح و درمان کودکان و نوجوانان معارض با قانون یکی از مهم ترین و ضروری ترین دغدغه های جوامع در سالهای اخیر می باشد و سیاستگذاران جنایی ایران نیز باید با برطرف کردن موانع یاد شده، زمینه های اجرای کامل و موثر فرایندهای بازپرورانه کودکان و نوجوانان را که سرمایه های انسانی جامعه اند، در جهت بازگشت آنان به زندگی عادی و پیش جنایی فراهم آورند.

نتیجه

هدف اصلی در برخورد با جرائم کودکان و نوجوانان، علاوه بر اجرای عدالت، بازسازی، تربیت و اصلاح آنان است. سیاست جنایی ایران در زمینه پاسخ‌دهی به اعمال بزهکارانه کودکان و نوجوانان تحت تأثیر تحولات جرم‌شناختی و نظریات برخی از مکاتب جرم‌شناسانه که در زمینه بازپروری بزهکاران اظهارنظر نموده اند، جنبه اصلاحی-درمانی به خود گرفته است، به گونه ای که در شماری از مقررات ایران تشکیل مراکز ویژه ای برای بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار پیش بینی شده است.

بدین ترتیب، پیش بینی این گونه اقدامات در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ایران، سبب می‌شود که با رویکردی اصلاحی-درمانی به کودکان بزهکار پاسخ داده شود. در نتیجه آنان به گونه ای مناسب تر به سمت بازپروری و عدم گرایش به تکرار جرم، سوق یابند، زیرا روند جامعه پذیری کودکان بزهکار به دلیل کوتاهی‌های محیط خانواده، مدرسه و دیگر محیط ها به درستی طی نشده است و باید به جای سرکوب، نسبت به حمایت از آنان و ایجاد بسترهای مناسب به منظور برطرف ساختن خلأهای فرآیند جامعه پذیری اقدام شود. بدین ترتیب است که در سال های اخیر فرآیند برخورد با جرائم کودکان در جهان، جنبه ترمیمی به خود گرفته است، به گونه ای که بزهکار، بزه دیده و والدین آن ها با نظارت و همراهی قاضی یا شخص ثالثی از جامعه مدنی تمام تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلاف ها و تعارض‌های ناشی از جرم به کار می‌برند، لذا اقدام قضایی متعارف در مورد بزرگسالان کمرنگ شده و راهبرد شبه قضایی ترمیمی در اولویت قرار گرفته است. به تعبیر روشن تر، در نظام تقنینی ایران می توان ردپای اندیشه‌های سختگیرانه را در مواردی همچون تعیین کیفر بر اساس شدت جرم، یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و قلمروی استفاده از آن مشاهده نمود. این در حالی است که بر اساس نتایج برخی مطالعات جرم‌شناسی، کیفر نگهداری در موسسات، احتمال بزهکاری کودکان و نوجوانان را افزایش می‌دهد (Mathys, 2017, p319-320). باید توجه داشت که، ابهامات موجود در زمینه شیوه تشکیل و میزان تاثیرگذاری پرونده شخصیت اضافه و در تحلیل ها در نظر گرفته شود، در نهایت مشخص خواهد شد شاخص های التزام به بازپروری در میان سیاست گذاران در حقیقت کمتر از آن چیزی است که تصور می شود؛ به عبارت ساده تر، مقنن دچار نوعی سردرگمی در تشخیص این موضوع شده است

که چگونه می‌توان کودکان و نوجوانان بزهکار را بازتوان بخش کرد. همچنین، این مهم را باید مطمح نظر قرار داد که علت عدم اثربخشی برخی نهادهای اصلاحی و درمانی نظیر تعلیق و کیفرهای اجتماعی این است که اینها آن چنین تدوین شده‌اند تا اثربخش نباشند (Dufour et al, 2018, p557). به هر تقدیر، در حال حاضر، سیاست جنایی بازپرورانه ایران در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار به دلیل نبود ابزارهای کافی برای اصلاح و بازسازی مجدد آنان، نبود تخصص لازم و کمبود نیروهای متخصص در این زمینه، عدم اجرای برخی سیاستها و برنامه‌های اصلاحی/درمانی به دلیل اختلاف نظرهای متولیان مربوط، عدم تخصیص اعتبارات لازم، عدم انجام حمایت‌های کافی و موثر از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم نهاد که در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار و بازپروری آنان فعالیت می‌کنند و از جامعیت و تاثیرگذاری کامل برخوردار نیست. از این رو، به منظور اجرای کامل برنامه بازپرورانه کودکان و نوجوانان، چند پیشنهاد ارائه می‌گردد:

نخست، با نگاهی به فصل دهم قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات مربوط باید بیان نمود که اصلاح و درمان و بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار نیازمند تدوین قانون جامعی است که در آن نهادهای متولی اصلاح و بازپروری، شرایط کنشگران در برنامه‌های بازپرورانه، نامحدود بودن اقدامات بازپرورانه جهت آزادی عمل بیشتر دستگاه قضایی در بکارگیری آن‌ها، حمایت کامل و موثر از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم نهاد به جهت مداخله در امر بازپروری و ... به نحو دقیق پیش بینی شده باشد. زیرا امروزه بازپروری بزهکار به ویژه کودکان و نوجوانان جهت بازگشت مجدد آنان به زندگی عادی و پیش جنایی، حقی برای بزهکار و تکلیفی برای نظام عدالت جنایی است.

دوم، تشکیل پرونده جرم شناختی و شخصیتی برای کودکان و نوجوانان با توجه به اصول بازپروری و ارائه راهکارهای بازپرورانه متناسب با محتویات پرونده شخصیتی از سوی متخصصان به دستگاه قضایی در قالب اظهارنظر مشورتی. اگرچه مقنن در ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به درستی به تشکیل پرونده شخصیت تاکید نموده است اما در خصوص این امر که متخصص مربوطه پس از ارزیابی شخصیتی، روان‌شناختی و ... کودک و نوجوان بتوانند نظریه مشورتی خود را در مورد ماهیت و نوع اقدام بازپرورانه‌ای که متناسب با یافته‌های شخصیتی از کودک و نوجوان است، به مرجع قضایی ارائه نمایند تا تصمیم بازپرورانه مرجع قضایی در انطباق کامل و موثر در فرایند بازپروری کودک و نوجوان باشد، سکوت نموده است و به عقیده نگارنده این خلاء با حضور مشاور در دادگاه اطفال و نوجوانان برطرف نخواهد شد. سوم، عدم لزوم ورود کودکان و نوجوانان در جرایم کم اهمیت به ویژه در جرایم قابل گذشت، به دستگاه قضایی در راستای جلوگیری از کسب تجربه کیفری و اصلاح و بازپروری کودک و نوجوان در خصوص این گونه از جرایم توسط جامعه محلی و با مشارکت پلیس محلی ویژه کودکان و نوجوانان و روان‌شناسان و

خانواده ها و البته با نظارت دستگاه قضایی زیرا یکی از پیش عامل های مهم در ثبات کودکان و نوجوانان در بزهکاری کسب تجربه کیفری و عادی شدن این امر برای آنان می باشد. سرانجام می توان گفت که اصلاح و درمان کودکان و نوجوانان بزهکار یکی از مهم ترین و ضروری ترین دغدغه های جوامع در سال های اخیر بوده است و سیاستگذاران جنایی ایران نیز باید با برطرف کردن موانع یاد شده، زمینه های اجرای کامل و موثر فرایندهای بازپرورانه کودکان و نوجوانان را که سرمایه های انسانی جامعه اند، در جهت بازگشت آنان به زندگی عادی و پیش جنایی فراهم آورند. در نهایت، هرچه اهمیت بازپروری در یک نظام کیفری بیشتر باشد، مجازات های معمول در آن نظام کمتر ماهیت سختگیرانه خواهند داشت. بر این اساس، اگر نظام عدالت جنایی به دنبال بازپروری باشد، بایستی به مبانی آن معتقد و به اجرای آن نیز پایبند باشد.

منابع و مآخذ

فارسی:

- ۱- آشوری، محمد؛ عظیم زاده، شادی (۱۳۹۲)، «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایداری/رشدن بزهکاری جوانان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، ش ۱.
- ۲- ورکیانی ابراهیمی، فاطمه، (۱۳۸۹)، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۳- بیگی، جمال، بیگی، حسین (۱۳۹۸)، مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم اطفال و نوجوانان، فانوس دنیا، تهران.
- ۴- رایجیان، اصلی، مهرداد، رزاقی موسوی، سید سجاد (۱۳۹۹)، نقش جرم زدایی در کاهش جمعیت کیفری زندان در سیاست جنایی ایران، (مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری؛ نظریه و رویه)، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۵- قاسمی مقدم، حسن، (۱۳۸۷)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، چاپ سوم، بهار.
- ۶- خواجه‌نوری، یاسمن، (۱۳۹۶)، جهانی‌شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۷- شاملو، باقر، (۱۳۹۱)، عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخ‌ها)، تهران، انتشارات جنگل.
- ۸- رضوانی، سودابه، (۱۳۹۱)، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز.
- ۹- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۵)، «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران»، فقه و حقوق، (۱۱): ۱۴۵-۱۶۴.
- ۱۰- عباچی، مریم، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، چاپ دوم، تهران: نشر مجد.
- ۱۱- غلامی، حسین، (۱۳۹۵)، کیفرشناسی «کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۲- غلامی، حسین، (۱۳۹۳)، تکرار جرم بررسی حقوقی-جرم‌شناختی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۳- غلامی، علی و دیگران، (۱۳۸۸)، تاثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرایم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، پژوهشنامه حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، دوره دهم، زمستان، شماره ۳۰.
- ۱۴- صفاری، علی، کیفرشناسی، ۱۳۹۰، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ هفدهم.
- ۱۵- مؤذن زادگان، حسنعلی، غلامی، نبی‌اله، (۱۳۹۷)، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قرارهای تأمین کیفری اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، سال بیست و سوم، ش ۶۳، پاییز و زمستان.

- ۱۶- میرکمالی، علیرضا، حسینی، انیسه، (۱۳۹۴)، *کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۹۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، گنج دانش، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۶-۱۳۸۷) *تقریرات درس جرم‌شناسی بازپروری بزهکاران*، دور دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۹- نجفی توانا، علی، (۱۳۹۸)، *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۲۰- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۵)، *بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، حقوق اسلامی*، زمستان، شماره ۹.
- ۲۱- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۷)، *کارکرد بازپرورانه کیفرهای جامعه مدار با تاکید بر لایحه قضایی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان*، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۶.
- ۲۲- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۹۱)، *تکلیف جرم شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۰، زمستان.
- ۲۳- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۹۶)، *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان)*، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۲۴- همت، مسعود (۱۳۹۷)، *مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)*، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۴، شماره ۳.

لاتین

- 25- Children's Bureau, *Determining the best interests of the child*, Washington D.C: U.S.Department of Health and Human Services, Child Welfare Information Gateway 2016, P 3, Available at: www.childwelfare.gov.
- 26- Craig, L.A. (2013), *What works in offender rehabilitation*, Wiley-Black Well, pub. USA, p4.
- 27- Dufour, I.; Villeneuve, M. P. and Lafortune, D. (2018), "Does the "last chance" sentence work? Ten years of failures and successes under a juvenile intermediate sanction in Canada", *Punishment & Society*.
- 28- Ellis, S.; Gately, N.; Rogers, S. and Horrigan, A. (2018). "Give them a chance: public attitudes to sentencing young offenders in Western Australia", *Youth Justice*.

- 29- Dünkkel, F. (2014), *"Juvenile Justice Systems in Europe-Reform developments between justice, welfare and 'new punitiveness'"*, Criminological studies. 1(1).
- 30- Mathys, C. (2017), *"Effective components of interventions in juvenile justice facilities: How to take care of delinquent youths?"*, Children and Youth Services Review, 73.
- 31- Mears, D. P.; Cochran, J. C.; Stults, B. J.; Greenman, S. J.; Bhati, A. S. and Greenwald, M. A. (2014), *"The 'true' juvenile offender: Age effects and juvenile court sanctioning"*, Criminology, 52(2).
- 32- Von Hirsch, A. Achworth. A. and Roberts, j. (2009). *Principled sentencing*, Hart publishing, USA.
- 33- Young, S.; Greer, B. and Church, R. (2017). *"Juvenile delinquency, welfare, justice and therapeutic interventions: a global perspective"*, BJPsych bulletin, 41(1).